

بررسی پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران بالای ۳۰ سال شهر کرمان

صولت افضل‌ی گروه*

علی محمد نظری**

کیانوش زهراکار***

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران بالای ۳۰ سال شهر کرمان بود. پژوهش حاضر به روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شده و میدان تحقیق در پژوهش حاضر، شامل کلیه دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر کرمان بود. جهت انتخاب نمونه آماری، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و تعداد ۱۵ نفر از افراد جامعه آماری جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند. در این پژوهش با توجه به موضوع پژوهش و ماهیت کیفی بودن آن، به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها بر اساس مدل هفت مرحله‌ای کلایزی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از مجموع یافته‌های این پژوهش، دو درون‌مایه اصلی پیامدهای مثبت و منفی استخراج گردید. این پیامدها در ۶ مضمون اصلی که بیانگر ساختار تجارب زندگی دختران مجرد است قرار گرفت. مضامین اصلی هر یک از پیامدهای مثبت و منفی شامل سه مضمون فردی، اجتماعی یا فرهنگی و خانوادگی بودند. **کلید واژگان:** بازماندگی از ازدواج، دختران، مجرد، کرمان.

* دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

omehni@chmail.ir

** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

amnazariy@yahoo.com

*** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

dr_zahrakar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۱

مقدمه

جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در سن ازدواج بوده‌اند و شواهد نشان می‌دهد که روند تشکیل خانواده در سراسر جهان طولانی شده است (جبل و هینه^۱ ۲۰۱۶). این معضل مختص کشوری خاص نبوده و اکثر کشورها به تعویق افتادن تشکیل خانواده از نظر تأخیر سن ازدواج را تجربه کرده‌اند (لاوید^۲ ۲۰۰۵). این تغییرات نخست در کشورهای فراصنعتی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد. به طوری که نسبت افراد ازدواج کرده در ایالت متحده آمریکا که در سال ۱۹۶۰م، ۷۸ درصد بود به ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۰ و کمتر از ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۵م کاهش یافت (سگالنی ۱۳۹۳، ۱۲۸). در کشور ما نیز در دهه‌های اخیر، تغییر در الگوهای ازدواج، بی‌رغبتی به ازدواج، ازدواج در سنین بالا یا به طور کلی ازدواج نکردن، افزایش چشم‌گیری داشته است. به طور کلی در ایران، سن متعارف برای ازدواج مردان ۲۰ تا ۳۵ سال و برای زنان ۱۵ تا ۳۰ سال است و پنجاه‌سالگی نیز سن مجرد قطعی شناخته شده است (عباس‌زاده و نیکدل ۱۳۹۵)؛ اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران نیز با تحول عمده‌ای روبه‌رو شده است (غضنفری و همکاران ۱۳۹۶). آمارها نشان می‌دهد که شاخص تأخیر سن ازدواج در زنان، در کمتر از ۱۰ سال به بیش از دو برابر افزایش یافته است. در حال حاضر، افزایش میانگین سن ازدواج برای مردان به بالای ۳۵ سال و برای زنان به بیش از ۳۰ سال رسیده است (مجبی و همکاران ۱۳۹۵).

بسیاری از روان‌شناسان و کارشناسان مسائل خانوادگی معتقدند تأخیر در سن ازدواج در میان جامعه ایرانی یکی از چالش‌های اساسی و مهم است که در صورت عدم کنترل آن، می‌تواند به یک بحران اجتماعی تبدیل شود (مهدوی، ۱۳۹۰). افزایش سن ازدواج اگرچه پیامدهای مثبتی همچون آمادگی اقتصادی و روانی و پختگی بیشتر دارد، اما به نوبه خود منجر به ایجاد پیامدهای منفی اجتماعی می‌شود. پدیده افزایش سن ازدواج و بروز مجرد، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده می‌شود و به دنبال این امر به طور طبیعی نابسامانی‌هایی مانند شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و ... در سطح جامعه به وجود می‌آید (نیکخواه و همکاران ۱۳۹۶). از یک سو افزایش فاصله بین سن بلوغ و سن ازدواج، برآورده نشدن نیازهای جنسی را به همراه دارد؛ که ممکن است به گسترش الگوهای جدید روابط بین دختران و پسران منجر شود. از طرفی با افزایش سن، عموماً از جنبه‌های احساسی و عاطفی افراد کاسته شده و جنبه‌های عقلانی به معنای محاسبه‌گرانه، شدت می‌یابند. این امر باعث افزایش برخی توقعات شده و فرآیند انتخاب همسر را دشوارتر می‌کند. علاوه بر

1. Gebel & Heyne

2. Lloyd

این، افزایش سن ازدواج، باعث افزایش اختلاف سنی بین بچه‌ها و والدین می‌شود که یکی از پیامدهای محتمل آن، پدیده شکاف نسلی است (جنادله و رهنما ۱۳۹۳). همچنین از جمله پیامدهای این پدیده می‌توان به افزایش اضطراب و فشار عصبی؛ شیوع افسردگی، اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی؛ تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج؛ افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرائم؛ و اعتیاد و مصرف الکل اشاره کرد (آیت‌اللهی و همکاران ۱۳۹۴).

بدون شک هرگونه تشویق در جهت ترویج ازدواج در جامعه، مستلزم بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پدیده ازدواج و عوامل مرتبط بر نگرش افراد نسبت به ازدواج است. مطالعات در کشورهای مختلف نشان داده است که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، به‌طور مثبتی با شکل‌گیری ازدواج مرتبط است (پارک و لی^۱ ۲۰۱۷). همچنین در مطالعات مختلف در مورد گرایش و عدم گرایش به ازدواج، به متغیرهای فرهنگی (گرایش دینی و میزان استفاده از رسانه، برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری، داشتن خواهر و برادر بزرگ‌تر) و متغیرهای اجتماعی (میزان تحصیلات، هویت طبقاتی، جنسیت افراد، اعتمادبه‌نفس، لذت از مجردی، بالابودن انتظارات، سختگیری والدین) و متغیرهای اقتصادی (وضعیت شغلی، وضعیت مسکن، میزان درآمد، شغل والدین و بالا بودن میزان مهریه) اشاره شده است (نقیبی و حمیدی ۱۳۹۴).

در بین پسران و دختران، گروه دختران با توجه ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی، مشکلات و مصائب بیشتری برای ازدواج دارند و دلایل، آسیب‌ها و پیامدهای تأخیر در سن ازدواج ایشان نیز متفاوت از گروه پسران است. دختران و زنان از گروه‌های جمعیتی مهم در موفقیت هر کشوری هستند و در طول چند دهه گذشته، تمرکز روزافزون فعالیت‌های پژوهشی، سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها، توانمندسازی زنان بوده است (کراندال و همکاران^۲ ۲۰۱۶). در دهه‌های اخیر، دختران با انبوهی از پدیده‌های نوظهور، که اغلب پیامد مدرنیته و جهانی‌شدن است، مانند دستیابی به تحصیلات عالی، دگرگونی روابط میان نسل‌ها و جنسیت‌ها، ظهور فرصت‌ها و آرزوهای جدید برای انتخاب شریک زندگی، تغییرات در قوانین ازدواج و طلاق، دادن حقوق جدید به زنان، افزایش قابل‌ملاحظه نرخ طلاق و درنهایت، ورود و مشارکت زنان در بازار کار روبه‌رو شده‌اند. دختران مجرد در زمره گروه‌هایی محسوب می‌شوند که به دلیل جایگاه شکننده و آسیب‌پذیر در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، در معرض طرد قرار دارند (قادرزاده و همکاران ۱۳۹۶). هم‌اکنون آمارها نشان می‌دهند که در کشور ما فاصله بین سن بلوغ تا ازدواج نسبت به گذشته، در دختران ۱۵ سال و در پسران حدود ۲۰ سال به تأخیر افتاده است. همچنین تعداد دخترانی که از سن ازدواجشان گذشته، چهار و نیم میلیون نفر

1. Park & Lee

2. Crandall et al

و آمار زنان بیوه به یک و نیم میلیون نفر رسیده است. استان کرمان که حوزه مورد مطالعه پژوهش حاضر است و تاکنون هیچ مطالعه کیفی پیرامون این موضوع نداشته است، اگرچه به نسبت میانگین کشور میزان مناسبی از ازدواج را به خود اختصاص داده ولی با این حال نگاهی به آمار ازدواج در این استان در طول مدت مشابه، نشان دهنده کاهش آمار ازدواج در این استان بوده است. بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، آمار ازدواج های استان کرمان از تعداد ۳۰۹۱۱ نفر در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۲۳۹۶۹ نفر در سال ۱۳۹۶ رسیده که کاهش چشمگیری را نشان می دهد. لذا بر اساس آنچه بیان گردید و در راستای نیاز به ضرورت انجام پژوهش در زمینه پیامدهای تأخیر در سن ازدواج دختران، پژوهش حاضر به دنبال این است که بازماندگی از ازدواج چه پیامدهای را برای دختران داشته است؟

۱) پیشینه تجربی پژوهش

یافته های پژوهش کاظمی پور (۱۳۸۸) نشان داد که ازدواج ها در بین دانشجویان به سمت غیررسمی شدن پیش می رود. از سوی دیگر در جامعه ایران نهاد خانواده و تعاملات درون اعضای آن به میزان رشد، توسعه، صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور، رشد نکرده است. در این بین، طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین تر بیش از بقیه بوده است. در نهایت بر اساس نظریه مبادله، بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در بین جوانان به یک امر عقلانی تبدیل شده است. یافته های پژوهش حسنی (۱۳۹۲) نیز بیانگر این بود که گرایش به استقلال اقتصادی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار، تضعیف پایبندی اخلاقی در روابط خانوادگی، گسترش روابط نامتعارف، گرایش به جرم و سوء مصرف مواد، بی هویتی و بروز اختلالات روانی را می توان از جمله عواقب احتمالی مجرد دختران برشمرد. همچنین معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند که ترجیح مجرد به ازدواج در دهه های اخیر از یک سو تحت تأثیر وضعیت کلان اجتماعی و از سوی دیگر بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است. دختران شاغل در جریان بازاندیشی نقش های کلیشه ای سنتی و بازتعریف هویت جنسیتی، تصویر جدیدی از خود در ذهن دارند. این تصویر جدید، انتظارات آنان را از زندگی متحول ساخته است. هر چند انتخاب مجرد، دختران را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است، با این حال آنان با مقاومت در برابر فشارهای ساختاری، زندگی خود را آن گونه که می خواهند سامان می دهند. در حقیقت انتخاب مجرد به معنای حفظ تمام امکاناتی است که مجردها با تلاش و کوشش از طریق تحصیل و اشتغال برای خود فراهم کرده اند. ^۱ نگوین (۱۹۹۷) در پژوهش خود دریافت که طول فرآیند پیشرفت اقتصادی، گسترش

امکانات آموزشی، فرصت‌های شغلی و شهرنشینی، باعث شده است که ازدواج‌ها به تعویق افتاده و از این رو سن ازدواج بالا رود. همچنین مشخص شد که در میان این نیروهای مدرن سازی جامعه، عامل آموزش اهمیت بیشتری دارد. به طوری که اثر آموزش زنان در سن اولین ازدواج قوی‌تر از اثر آموزش مردان است. نتایج پژوهش کارلسون^۱ (۲۰۱۲) نشان داد که افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، سلامت روان بهتری دارند. همچنین نتایج پژوهش هاشیموتو و کوندو^۲ (۲۰۱۲) نشان داد زنانی (اغلب با تحصیلات بالا) که در کوهورت جمعیتی قرار دارند که در آن نرخ بیکاری بالاست ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند و باروری پایین‌تری دارند.

با مرور پیشینه پژوهش، مشاهده می‌شود مطالعات پیشین تنها به یک بعد در مطالعه خود پرداخته‌اند و این در صورتی است که مجرد پیامدهای متفاوتی برای فرد و اجتماع دارد. مطالعه حاضر قصد آن را داشته است که این نقطه ضعف را در نظر داشته و پیامدهای متفاوت مجرد را در زندگی دختران در نظر گیرد. نکته مهم دیگری که در پژوهش‌های مورد اشاره یافت می‌شود آن است که نمونه مورد مطالعه پژوهش‌ها پسران و دختران بوده و اینکه مجرد برای دختران و یا پسران چه پیامدهایی داشته است نامشخص است. پژوهش حاضر بحث جنسیت را نیز در نظر داشته است و آن را به عنوان نکته مهم در نظر گرفته است.

۲) روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی^۳ انجام شد. پدیدارشناسی به بررسی تجربیات واقعی افراد می‌پردازد و اعتقاد بر این است که در این تجربیات جوهره‌هایی وجود دارند که قابل فهم و بررسی هستند (ادیب حاج باقری و همکاران ۱۳۹۰). این رویکرد به مطالعه ادراک انسانی از پدیده‌ها می‌پردازد: مطالعه پدیده‌ها در هر شکل و شمایل و توصیف آن‌ها با لحاظ کردن نحوه تجلی‌شان، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی. لذا پرسش محوری‌اش این است که افراد چگونه پدیده‌ها یا رخداد‌های ناآشنای جهان را برای خود آشنا می‌سازند؟ چه نوع تعاملی با وضعیت‌های جدید برقرار می‌کنند؟ و کلاً جهان نامأنوس را چگونه تجربه می‌کنند؟ پدیدارشناسی می‌کوشد معانی را آن‌چنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، تفسیر نماید (دنزین و لینکولن^۴ ۲۰۱۲). در پژوهش حاضر محقق علاقه‌مند است تا با استفاده از مطالعه تجارب دخترانی که به لحاظ دوره سنی ازدواجشان به تأخیر افتاده است، به عنوان بهترین منبع توصیف موقعیت

1 Carlson

2 Hashimoto & Kondo

3. Phenomenology

4. Denzin and Lincoln

و احساسات آنان، به هدف پژوهش دست یابد. میدان پژوهش در پژوهش حاضر، شامل دختران مجرد ازدواج نکرده بالای ۳۰ سال شهر کرمان، بود (تعیین میزان حجم جامعه آماری به علت نداشتن آمار دقیق سازمان‌های دارای اطلاع، برای پژوهشگر قابل انجام نبود). ویژگی‌های که میدان پژوهش را همگن می‌کرد شامل مؤلفه‌هایی نظیر داشتن تحصیلات دانشگاهی، شهرنشینی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها بود. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند، تعدادی از افراد جامعه آماری جهت گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش انتخاب شد. در مورد تعداد نمونه آماری پژوهش نیز بایستی اشاره داشت که فرایند گزینش نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. بدین معنی تا زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار گذاشتند و به لحاظ نظری مطلبی به نتایج اضافه نشد و بدین لحاظ به اشباع رسیدیم، مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد. رسیدن به اشباع نظری در پژوهش حاضر در مصاحبه ۱۲ بود، اما مصاحبه‌ها تا نفر ۱۵ ادامه پیدا کرد. جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. بدین ترتیب در ابتدای مصاحبه توضیحات کلی در مورد پژوهش و هدف‌های آن به مصاحبه‌شونده ارائه و سپس مصاحبه آغاز می‌شود. از مصاحبه‌شوندگان درباره دیدگاهشان در مورد ازدواج و تحلیل ایشان از پیامدهای تأخیر در سن ازدواج سؤال شد. مدت‌زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود. نکاتی که در روند انجام مصاحبه مطرح می‌شد یادداشت و با کسب اجازه از افراد ضبط گردید تا گاه با مرور چندباره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح‌شده مصاحبه‌شوندگان انجام شود. جهت اینکه وضعیت یکسانی برای مصاحبه با افراد وجود داشته باشد و کنترل کردن شرایط مزاحم مصاحبه، با انجام هماهنگی با افراد نمونه آماری، کلیه مصاحبه‌ها در یک مکان آرام که دفتر مشاوره بود صورت گرفت. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس مدل پیشنهادی هفت مرحله‌ای کلایزی بود. بر اساس این روش، ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف شرکت‌کنندگان، سعی شد که با آن‌ها هم‌احساس شده و در مرحله دوم جملات و واژه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها استخراج شدند. سپس این معانی استخراج‌شده، مفهوم‌سازی و کدبندی شدند. در مرحله بعدی، پس از بازخوانی مکرر کدها، مفاهیم فرموله شده و در درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار گرفته و تم‌های اصلی به دست آمد و در آخر با ترکیب کردن کلیه عقاید استنتاج شده به درون یک توصیف جامع و کامل از همه جزئیات پدیده موردنظر، تم‌های به‌دست‌آمده در دو مفهوم کلی و محوری قرار داده شدند. در پایان، روایی نتایج پژوهش به تأیید رسید. بدین منظور در پژوهش حاضر جهت بررسی روایی از دو معیار اعتبارپذیری و تأییدپذیری جهت اعتبار مصاحبه‌ها استفاده شد. بر این اساس جهت بررسی روایی مصاحبه‌ها، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها جهت تأیید چندین‌باره به مصاحبه‌شوندگان بازگردانده شد و نظرات ایشان دریافت شد و بر اساس نظرات ایشان

یافته‌ها بازنگری شد. جهت تأییدپذیری داده‌های پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به متخصصان حوزه مربوطه ارسال گردید و نظرات ایشان دریافت و نکات مدنظر ایشان نیز در تحلیل یافته‌ها لحاظ گردید.

۳) یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱ به‌طور اطلاعات افراد نمونه پژوهش که با آن‌ها مصاحبه شده است، به تصویر کشیده شده‌اند. پس‌از آن، مقولات حاصل از تجزیه و تحلیل را به‌طور جداگانه مطابق جداول مربوطه آمده‌اند.

جدول (۱) اطلاعات کلی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن مصاحبه‌شونده	شغل
۱	۴۲	کارمند آموزش و پرورش
۲	۳۹	دبیر آموزش و پرورش
۳	۳۶	آرایشگر
۴	۴۴	دبیر آموزش و پرورش
۵	۴۵	مشاوره مدرسه
۶	۳۶	کارمند شهرداری
۷	۳۵	کارمند شهرداری
۸	۳۵	مشاور مدرسه
۹	۳۷	کارمند آموزش و پرورش
۱۰	۳۶	بیکار
۱۱	۳۲	دبیر تربیت‌بدنی
۱۲	۳۲	مربی مهدکودک
۱۳	۳۶	مددکار
۱۴	۳۷	کارمند
۱۵	۳۵	مدرس دانشگاه

مصاحبه با یک سوال وسیع و کلی در مورد بازماندگی از ازدواج شروع شد و سپس سؤالات اکتشافی برای تشویق شرکت کننده و دستیابی به اطلاعات عمیق تر پرسیده شد. از مجموع یافته های این پژوهش، دو درون مایه اصلی پیامدهای مثبت و منفی و شش مضمون اصلی که بیانگر ساختار تجارب زندگی دختران مجرد است، استخراج شده که در ادامه در جدول ۲ می آیند:

جدول ۲) پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران

طبقات کلی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
پیامدهای مثبت	فردی	فرصت پیشرفت شغلی و تحصیلی، یافتن اهداف جدید، احساس آزادی و استقلال، احساس خوداتکایی، خودشناسی بیشتر، فرصت تفریح و سرگرمی، احساس آسودگی نسبت به شرایط بد زنان متأهل، نداشتن مسئولیت، شیرینی انتظار، احساس پختگی در تصمیم گیری
	اجتماعی و فرهنگی	انجام بهتر وظایف شغلی
	خانوادگی	روابط خانوادگی نزدیک تر، فرصت رسیدگی بیشتر به والدین
پیامدهای منفی	فردی	ورود به روابط ناخواسته و ازدواج های اجباری، سوءاستفاده های مالی و عاطفی، حسرت مادر شدن، احساس تنهایی، دغدغه ناباروری، احساس نیاز به تکیه گاه و حمایت کننده، ندامت و پشیمانی، احساس سربار بودن، احساس ناامنی و ترس از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، احساس نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، بی تفاوتی نسبت به ازدواج، استرس و فشار روانی، گوشه گیری و قطع ارتباط با اطرافیان
	اجتماعی و فرهنگی	احساس ناکامی و نیاز به حمایت دولتی، برچسب ها و سرزنش های اجتماعی، از دست دادن زمینه های موفقیت، گرفتار شدن در روابط بدون تعهد، ایجاد روابط خارج از زناشویی
	خانوادگی	سرزنش اعضای خانواده، دل نگرانی های اعضای خانواده، تنش های ناشی از کنترل ها و دخالت های نابجای اعضای خانواده، مسئولیت مراقبت از والدین پیر

الف) پیامدهای مثبت

دنیای مجرد صرف نظر از همه پیامدهای منفی و نگران کننده‌ای که بسیاری از صاحب نظران و آحاد جامعه به آن اشاره می‌کنند در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی حاوی پیامدهای مثبتی نیز هست که در زیر به هر یک از این پیامدها پرداخته می‌شود.

یک) پیامدهای مثبت فردی

مضامین فرعی به دست آمده در این بخش عبارت‌اند از: فرصت پیشرفت شغلی و تحصیلی، یافتن اهداف جدید، احساس آزادی و استقلال، احساس خوداتکایی، خودشناسی بیشتر، فرصت تفریح و سرگرمی، احساس آسودگی نسبت به شرایط بد زنان متأهل، نداشتن مسئولیت، شیرینی انتظار، احساس پختگی در تصمیم‌گیری.

اول) فرصت پیشرفت شغلی و تحصیلی

آنچه مسلم است، این است که بعد از ازدواج بسیاری از زوجها به ویژه خانم‌ها به منظور تحقق اهداف زوجی و خانوادگی از ادامه خواسته‌های فردی خود چشم‌پوشی می‌کنند و به نوعی اهداف فردی خود را فدای اهداف خانوادگی کرده و بیشتر به زندگی خانوادگی می‌پردازند. این در حالی است که در شرایط مجرد این دختران وقت و فرصت کافی داشته‌اند تا به اهداف فردی خود که همانا پیشرفت در حوزه‌های تحصیلی و شغلی است جامعه عمل بپوشانند. تجربه زیسته مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ چنین است:

اثر مثبتی هم که این مجرد بودن برای من داشته اینه که؛ موفقیت شغلی به دست آورده‌ام و باعث شده چند شعبه مهد کودک بزنم و از طرفی استقلال دارم و خودم تصمیم گیرنده هستم. به عنوان مثال خواهر من و همکاران من همیشه به شرایط و موقعیت من غبطه می‌خورن؛ چون آزادی و استقلال دارم در حالی که اونا شوهرانشون مانع از پیشرفتشون می‌شن و واقعاً یک همسر همکار و یا یک همسر دوست به ندرت پیدا می‌شه.

دوم) یافتن اهداف جدید

بسیاری از روان‌شناسان وجود گرا از جمله ویکتور فرانکل به معانی زیبای تجارب سخت در زندگی اشاره کردند. فرانکل با تجربه تلخ زندان‌های جنگ جهانی دوم به این مهم اشاره کرد که رنج‌های زندگی را می‌توان معنا کرد و از آن‌ها در جهت مثبت استفاده کرد. در اینجا نیز برخی از مشارکت‌کنندگان در مواجهه با این موقعیت دشوار، به یک فلسفه و نگاه جدید در زندگی دست یافته‌اند که راهگشای آن‌ها در بحران‌های زندگی است. مشارکت‌کننده شماره ۲ نتیجه این تنهایی را کشف فلسفه جدید زندگی مطرح می‌کند:

مصاحبه‌گر: چه چیزی به تو کمک کرده که بتونی کنار بیای و احساس آزار نکنی؟

مشارکت‌کننده: یکی حرف‌های استادام و یکی خودم فلسفه زندگی رو چیزی غیر از ازدواج می‌بینم!

مصاحبه‌گر: چطور کنار می‌ای؟

مشارکت‌کننده: هدف زندگی فقط ازدواج نیست.

سوم) احساس آزادی و استقلال

طبیعی است که ازدواج و اتخاذ نقش‌های زوجی و والدینی در خانواده، مستلزم صرف زمان و انرژی زیادی است که به محدودیت‌های زیادی در زندگی فردی می‌انجامد. زنانی که نقش‌های همسرانه و مادرانه خود را عهده‌دار هستند، کمتر فرصت تحصیل، استراحت، آزادی و استقلال فردی دارند. هرچند که هیچ‌یک از مشارکت‌کنندگان در پژوهش ما از مجرد خود اظهار رضایت نکردند، ولی به نظر می‌رسد این مجرد و تنهایی، آزادی و استقلال به آن‌ها هدیه کرده و آن‌ها می‌توانند آزادانه به برنامه‌های شخصی خود پردازند. مشارکت‌کنندگان شماره ۳ و ۵ نیز در این زمینه می‌گویند:

فقط همین پای‌بست کسی نیستم و فقط والدینم هستند؛ دیگه کسی نیست امر و نهی به من بکنه.

چهارم) احساس خوداتکایی

با توجه به اینکه بسیاری دختران بازمانده از ازدواج با فقدان تجربه ازدواج، در کلیه بحران‌های زندگی تقریباً بدون حامی و پشتیبان زندگی کرده و کارهای خود را پیش برده‌اند، به همین دلیل یکی از دستاوردهای زندگی مجردی برای دختران احساس خوداتکایی بیشتر است که شاید زنان متأهل این میزان خوداتکایی را نداشته باشند. تجربه زیسته مشارکت‌کننده شماره ۴ در این زمینه چنین است:

بعد کارم درست شد. فهمیدم اگر شوهر ندارم، خودم باید به فکر خودم باشم و کاری انجام بدم و بدون منم معلمم و آدمم و با هزینه خودم کلاس موضوعی جغرافیا تشکیل دادم. سرگروه‌های استانی رو دعوت کردم و رتبه دوم استان شدم و یکی از دانش‌آموزانم رو فرستادم جشنواره خوارزمی رتبه آورده و الان که می‌رم اداره خب هوای منو بیشتر دارند.

پنجم) خودشناسی بیشتر

بسیاری از انسان‌ها در موقعیت‌های خاص و بحرانی فرصتی پیدا می‌کنند تا توانایی‌های نهفته خویش را بهتر بشناسند و به توانمندی‌های خویش وقوف بیشتری داشته باشند. مشارکت‌کننده

شماره ۶ در پاسخ به این سؤال که «دیگه زندگی مجردی چه کمکی به شما کرده؟» می‌گوید: به خودشناسی!... درسته که ازدواج کمک‌های زیادی می‌کنه. سازگاری رو بالا می‌بره و آدم یک چیزهایی رو یاد می‌گیره. من نسبت به یک متأهل سازگاریم کمتره و کم‌صبرترم. ولی فرصت داشتم خودمو بهتر شناختم. اونیه که متأهله یا توآشپزخونه است یا دنبال بچه‌هاشه.

ششم) فرصت تفریح و سرگرمی

پرداختن به تمامی وظایف مرتبط با نقش‌های خانوادگی، مستلزم صرف زمان و انرژی است. به همین دلیل زنان و مردان متأهل برای پرداختن به تفریحات و سرگرمی‌های فردی وقت بسیار کمی دارند. یکی از موهبت‌های زندگی مجردی به‌ویژه برای دختران، داشتن وقت برای پرداختن به همین تفریحات و سرگرمی‌هاست که می‌تواند به کیفیت زندگی آن‌ها تا حدودی کمک کند. چیزی که مشارکت‌کننده شماره ۷ به‌روشنی به آن اشاره می‌کند: تفریحات دارم؛ کلاس موسیقی، زبان و ... متأهل که باشی این فرصت‌ها رو نداری.

هفت) احساس آسودگی

احساس آسودگی در اینجا یک احساس موقعیتی است که مشارکت‌کنندگان با مشاهده ازدواج‌های ناموفق و در سایه مطالعات مربوط به ازدواج به آن دست‌یافته‌اند. این مشارکت‌کنندگان در مشاهدات، بررسی‌ها و مطالعات خود شاهد زندگی‌های زناشویی ناکامی هستند که خود را در مقایسه با آن‌ها بسیار خوشبخت و شاکر خداوند می‌بینند. مشارکت‌کننده شماره ۸ این‌گونه خویش را شکر گذار موقعیتش می‌داند:

ازیک طرف می‌بینم اوضاع جامعه را، آمار طلاق را، از هر ۴ نفر ازدواج، ۲ نفر طلاق! دوروبرم که می‌بینم مشکلات هست کسانی دارند زندگی می‌کنند که به‌زور دارند هم‌دیگر را تحمل می‌کنند، می‌گم باز خدا رو شکر.

هشت) نداشتن مسئولیت

همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم، احساس مسئولیت‌های ناشی از ازدواج باری است بر دوش زنان و مردان متأهل که سبب می‌شود دغدغه‌های فردی خود را فراموش کرده و بیشتر به مسئولیت‌های خود در قبال همسر و فرزندان بیندیشند. امروزه در زمره منابع استرس‌های مرتبط با مسئولیت‌های خانوادگی از جمله استرس فرزندپروری، استرس زناشویی و استرس‌های مالی بر سلامت روانی فرد اثر می‌گذارد. چیزی که در زندگی مجردی وجود ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۶ در این زمینه می‌گوید:

... راحت می‌رویم خانه نهار آماده می‌خوریم. مثلاً خیلی مسئولیت‌های سنگین که خانوم‌های دیگه دارند، می‌بینیم دوست و همکارهای ما دارند ما نداریم. وقت برنامه ما برای خودمان برنامه‌مان می‌چینیم. نهایتش یک هماهنگی با خانواده می‌کنیم. دیگه نیاز نیست مثلاً اجازه بگیریم.

نه) شیرینی انتظار

این گروه از مشارکت‌کنندگان با توجه به اینکه نسبت به آینده امیدوار هستند و فانتزی ذهنی زیبایی نسبت به آینده دارند، از انتظار لذت می‌برند و خود را در موقعیت‌های زیبایی در آینده تصور می‌کنند و از زندگی خود لذت می‌برند. مشارکت‌کننده شماره ۹ در این زمینه می‌گوید:

خیلی بده انتظار! خیلی! البته یه شیرینی‌های کوچکی هم داره منتظر باشی کسی بیاد. بعد توی ذهنت تجسم کنی چه شکلی، چه جوری، چه خصوصیات و ویژگی‌هایی داره؟ این‌رو داره که هنوز حق انتخاب دارم. یه وقتی من از این خوشحالم یکی میاد، می‌بینم یه احساس راحتی می‌کنم. می‌گم خدا رو شکر من هنوزم یک حق انتخاب دارم؛ یعنی توانستم از این بگذرم برم سراغ نفر بدی.

ده) احساس پختگی در تصمیم‌گیری

یکی دیگر از مضامین فرعی به‌دست‌آمده که مشارکت‌کنندگان آن را مثبت قلمداد می‌کنند، احساس پختگی و واقع‌بینی ناشی از سن و تجربه این سال‌های زندگی مجردی است. آن‌ها چنین می‌پندارند که حوادث تلخ و شیرین این روزهای مجردی، آن‌ها را از پیچ‌وخم‌ها، پستی‌ها و بلندی‌های زندگی عبور داده و دستاوردی تجربی خوبی برای آن‌ها داشته است. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ در این زمینه می‌گوید:

به یک پختگی رسیدم. اون خواست‌های قبل مثل زیاده‌خواهی، بچگی و اون معیارها رو ندارم. خیلی می‌تونم سالم‌تر و بهتر تصمیم بگیرم.

دو) پیامدهای مثبت اجتماعی و فرهنگی

امروزه دختران مجرد به دلیل داشتن وقت، انرژی، مسئولیت‌پذیری و موفقیت‌هایی که در حوزه فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه شغلی دارند، از سوی کارفرمایان و سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی با استقبال بسیار زیادی روبرو می‌شوند. طبیعتاً بازتاب این موفقیت‌ها در جامعه قابل‌انکار نیست. تنها مؤلفه به‌دست‌آمده در این بخش انجام بهتر وظایف شغلی است. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ در این زمینه می‌گوید:

از نظر کار بیرون از منزل، هم خیلی‌ها اعتقاد دارن که خانم‌های مجرد چون دغدغه خانه، همسر و فرزند را ندارند، به‌مراتب بهتر از متأهل‌ها کار می‌کنند.

سه) پیامدهای مثبت خانوادگی

به نظر می‌رسد برخی از خانواده‌ها از ماندن دختران خود در خانه به دلایل مختلف رضایت بیشتری دارند. آن‌ها فکر می‌کنند که دخترانشان در کنارشان هستند و وقت بیشتری را می‌توانند با یکدیگر بگذرانند. مضامین فرعی به‌دست‌آمده در این بخش عبارت‌اند از: روابط خانوادگی نزدیک‌تر و فرصت رسیدگی بیشتر به والدین.

اول) روابط خانوادگی نزدیک‌تر

برخی خانواده به‌راحتی با جدایی فرزندان نمی‌توانند کنار بیایند و ممکن است که فرایند جدایی بعد از ازدواج را نوعی گسستگی روابط عاطفی بدانند؛ لذا فکر می‌کنند وقتی فرزندان در خانه هستند، روابط خانوادگی بهتر است. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ در این باره می‌گوید:

در کل وقتمون اختصاص به خودمون داره و آزادتره، روابط خانوادگیمون هم قوی‌تره، هوای همدیگه رو هم خیلی داریم.

دوم) فرصت رسیدگی بیشتر به والدین

علیرغم اینکه بسیاری از دختران در چنین شرایطی از زندگی و عدم تفاهم با خانواده اصلی خود ابراز نگرانی می‌کنند، برخی آن را فرصت مغتنمی برای رسیدگی بیشتر به خانواده می‌دانند. به نظر می‌رسد این گروه به جدایی تدریجی افراد از خانواده اصلی در سایه ازدواج فکر می‌کنند و تلاش می‌کنند تا روزی که در خانواده اصلی خود هستند، پیوندهای عاطفی عمیقی ایجاد کنند. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ در تجربه زیسته خودش به این مطلب اشاره می‌کند:

به والدینم هم بیشتر می‌تونم برسم، این هم چیز خوبیه.

ب) پیامدهای منفی

بیشترین تمرکز صاحب‌نظران و مردم بر پیامدهای منفی پدیده بازماندگی از ازدواج و یا تأخیر در ازدواج است. گستره پیامدهای این پدیده اجتماعی از حوزه فردی فراتر رفته و حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی را نیز در برمی‌گیرد که به هر گروه به‌طور جداگانه پرداخته می‌شود.

یک) پیامدهای منفی فردی

شاید بیشترین تبعات منفی پدیده بازماندگی از ازدواج متوجه خود فرد بازمانده از ازدواج است. مضامین فرعی به‌دست‌آمده در این بخش عبارت‌اند از: ورود به روابط ناخواسته و ازدواج‌های اجباری، سوءاستفاده‌های مالی و عاطفی، حسرت مادر شدن، احساس تنهایی،

دغدغه ناباروری، احساس نیاز به تکیه‌گاه و حمایت‌کننده، ندامت و پشیمانی، احساس سربار بودن، احساس ناامنی و ترس از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، احساس نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، بی‌تفاوتی نسبت به ازدواج، استرس و فشار روانی، گوشه‌گیری و قطع ارتباط با اطرافیان.

اول) روابط ناخواسته و ازدواج‌های اجباری

از آنجاکه این گروه از دختران هم خود نگران مجرد قطعی خود هستند و هم خانواده و از طرفی جامعه هم آن‌ها را دخترانی می‌بیند که بهارشان خزان شده؛ لذا تحت فشار خانواده، جامعه و فشارهای درونی و روانی، احتمال بروز مشکلاتی برای آن‌ها وجود دارد. این‌گونه ارتباطات از این جهت برای دختران ناخواسته است که با سیستم ارزشی و باورهای آن‌ها در مورد زندگی مشترک هماهنگ نیست ولی آن‌ها به خاطر ترس از تکرار نشدن موقعیت‌های مشابه و با این تفکر که شاید این آخرین فرصت باشد، مجبورند به چنین پیشنهادهایی روی خوش نشان دهند. برخی از این دختران هم علیرغم میل باطنی خود در آرزوی ازدواج خود به دنبال ارتباط با مردانی می‌گردند و روابط را ادامه می‌دهند که شاید منجر به ازدواج و رابطه جدی شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ در این زمینه می‌گوید:

خیلی از دوستای من می‌گن ما داریم تحمل می‌کنیم. شرایط اجتماع فرق کرده و اصالت خانواده رو به فناست. مثلاً تو دروهمسایه می‌شنوم که می‌گه کاش یه پیرمرد پولدار می‌اومد ما رو می‌گرفت. اصلاً زندگی و معیارهای سالم زندگی قبل، فراموش شده است.

دوم) سوءاستفاده‌های مالی و عاطفی

در بستر روابط ناخواسته‌ای که بسیاری از این دختران با مردان برقرار می‌کنند، متأسفانه رد پای سوءاستفاده‌های مالی و عاطفی هم دیده می‌شود. در چنین فضایی برخی مردان سودجو که وضعیت روانی و شرایط این‌گونه دختران را می‌دانند با آن‌ها وارد ارتباط می‌شوند، قول ازدواج می‌دهند، در برخی موارد اخاذی می‌کنند و سوءاستفاده عاطفی، جنسی و مالی می‌کنند و در نهایت هم خود را از رابطه بیرون می‌کشند. هرچند خود دختران هم برای فرار از تنهایی و موقعیت مجردی در این فرایند نقش دارند ولی در انتهای این مسیر، کاملاً قربانی شده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۱ در این زمینه تجارب زیسته جالبی دارد:

من بزرگ‌ترین ظلم رو چند سال پیش در حق خودم کردم. خواستگاری داشتم که دو تا زن طلاق داده بود و طلاق دومش یک هفته بعد عروسیش بوده و دو تا تجربه طلاق و یک نامزدی ناموفق؛ ولی من به این آقا جواب مثبت دادم و گفتم اشکال نداره و نامزد

کردیم. می‌تونم چشم‌مو ببندم. متأسفانه این آقا یک کلاه‌بردار شیاد از کار در اومد و سه سال من رو حیرون خودش کرد و کار به ازدواج نکشید.

سوم) حسرت مادر شدن

این گروه از دختران جامعه متأسفانه در حسرت یکی از بزرگ‌ترین لذت‌ها و نعمت‌های زندگی مانده‌اند و نگران‌اند که بمانند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقدند که شاید بتوانند تنهایی را در آینده تحمل کنند ولی نمی‌دانند با حسرت مادر شدن چه کنند. مشارکت‌کننده شماره ۸ در این زمینه می‌گوید:

تو دلت می‌خواد مادرشی. من خودم پرولاکتین بالای خونم علتش شرایط عاطفیه یا مثلاً اول مهر روزهای اول مادرها بچه‌هاشون و می‌فرستن مدرسه. من همش نماز صبحم قضا می‌شه حس خوبی ندارم. وقتی صدای تاق‌وتوق و هیجان بچه‌هایی که می‌رن مدرسه آزارم می‌ده. دلم می‌خواست بچه داشتم می‌فرستادمش مدرسه و اینکه کسی تو رو دوست نداره آزاردهنده است.

چهارم: احساس تنهایی

یکی از مشکلات روحی و روانی که بسیاری از این دختران با آن مواجه می‌شوند، ترس از تنهایی در آینده است. دوستان، همکلاسان، خواهران و برادران یکی پس از دیگری ازدواج می‌کنند و به سراغ زندگی خود می‌روند. پدرها و مادرها لحظه‌به‌لحظه به مرگ نزدیک‌تر می‌شوند. مشارکت‌کننده شماره ۸ از تجربه زیسته خودش در حوزه برای ما می‌گوید:

من تنهایی زندگی کردن رو دوست ندارم، ولی الان داره اتفاق می‌افته. مثل این هست که تو نمی‌دونی زلزله میاد و خودتو آماده نکردی ولی یهو زلزله میاد و همه چیزت از دستت می‌ره. احساس می‌کنی دیگه کسی اطرافت نمونده.

گاه ترس از تنهایی برای دختران مجرد ناظر به آینده است. آن‌ها نگران‌اند که مبادا در آینده تنها بمانند. تجربه زیسته مشارکت‌کننده شماره ۱۲ این‌گونه بیان شد:

حقیقتش هر وقت با خودم تنها می‌شم یا یکی از دوستانم ازدواج می‌کنه یا بچه‌دار می‌شه، به این مسئله بیشتر فکر می‌کنم. چون از تنهایی خیلی می‌ترسم، فکر می‌کنم پیر بشم چجوریه؟ چقدر وحشتناکه، فکرش اذیتم می‌کنه.

پنجم) دغدغه ناباروری

طبیعتاً دغدغه بارداری یکی دیگر از پیامدهای است که دختران بازمانده از ازدواج نگران آن هستند. به گفته برخی متخصصان زمان طلایی برای بچه‌دار شدن ۱۸ تا ۲۵ سالگی

است و بعد از سن ۳۰ سالگی به دلیل افزایش اختلالاتی مانند فشار خون حاملگی، شانس بارداری کم‌تر است. این در شرایطی است که سن ازدواج در شهرهای بزرگ کشور به ۲۸ سال و بالاتر رسیده است. هر چه سن بالا برود، شانس موفقیت انجام روش‌هایی برای باروری از جمله باروری خارج رحم کم‌تر می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در تأیید این مطلب چنین اظهار می‌دارد:

سن ازدواج من بالا رفته و اگر در این سن و سال ازدواج هم بکنم، شانس باردارشدن دیگه ندارم. این برام شده یه معضل و دغدغه مهم که شرایط ازدواج رو ازم می‌گیره. البته چند سال پیش که دیدم واقعاً دیر شده و از طرفی هنوز هم امید ازدواج داشتم، به مرکز رویان رفتم که اگر ممکن باشه تخمک‌های منو فریز کنن که گفتن این امکان وجود داره.

ششم) احساس نیاز به تکیه‌گاه و حمایت‌کننده

با وجود اینکه برخی از مشارکت‌کنندگان احساس خودتکایی بیشتر را به‌عنوان یکی از پیامدهای تأخیر در ازدواج خود مطرح کرده‌اند ولی به نظر می‌رسد احساس نیاز به یک تکیه‌گاه حمایتی در بین این گروه از دختران بسیار جدی است. برخی از آن‌ها خود را رهاشده در جامعه می‌بینند. بی‌پناه، تنها و در حسرت موقعیتی که این حمایت‌ها را ایجاد کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید:

حتی تو شرایط کاری سخت، مثلاً حتی از نظر عاطفی یک وقتایی واقعاً خیلی [نیاز داری]، حتی اون محبت پدر و مادر برات فک می‌کنی اونجوری نیست که باید باشه. احساس می‌کنی یکی باید باشه ولی نیست.

هفتم) ندامت و پشیمانی

مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید:

حسرت می‌خورم دوستان خودمو می‌بینم که هم سن و سال خودم هستن، موردهای بدی داشتن و تونستن زندگی هاشونو جمع کنند و خودمو می‌بینم که شرایط خوبی داشتم ولی خانوادم همراهی نکردن.

هشتم) احساس سربار بودن

یکی از احساسات بسیار آزاردهنده این گروه از دختران به تعبیر خودشان احساس سربار بودن است. دقیقاً زمانی که نگاه سنگین خانواده و گاه متلک‌های اعضای آن را می‌شنوند، این احساس صدچندان می‌شود. تجربه زیسته مشارکت‌کننده شماره ۲ به‌خوبی گویای این مطلب است.

احساس می‌کنم که مثلاً به خانواده وابسته‌ام. هنوز سربارم. یه جورى حس می‌کنم بعضی وقت‌ها که می‌خوام مستقل بشم.

نهم) احساس ناامنی و ترس از سوءاستفاده دیگران

یکی دیگر از مضامین فرعی به دست آمده در این بخش احساس ناامنی برخاسته از تنهایی است. شاید در نگاه اول تصور این باشد که چنین شرایط ناایمنی برای زنان متأهل هم در محیط‌های شغلی و اجتماعی وجود دارد. ولی به نظر می‌رسد علم به اینکه این گروه از دختران مجرد و تنها هستند احتمال آسیب‌پذیری آن‌ها را بیشتر می‌کند. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ نیز در این زمینه می‌گوید:

یا همین موردی که برای خودم پیش آمده بود که براتون گفتم. مثلاً خیلی‌ها هستن که می‌فهمن سنت بالاست، شروع به صمیمیت می‌کنند. می‌خوان باهات رابطه برقرار کنند، وقتی طرف نیاز داشته باشه تا یک جاییش را تحمل می‌کنه ولی بعداً ممکنه جواب بده و اینا آرامش و امنیت آدم رو تو روابط و اجتماع از بین می‌بره.

دهم) نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده

از آنجاکه این گروه از دختران زمان زیادی را در تنهایی سپری می‌کنند و از طرفی نگران وضعیت فعلی خود هم هستند، لذا بیشتر وقت‌ها به فکر فرورفته و در اندیشه این هستند که چرا چنین وضعیتی را پیدا کرده‌اند. حالاً انگار خودشان هم در درون از خود طلب کارند و افسوس می‌خورند که چه موقعیت‌هایی را از دست داده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید:

آقای ... من راستشو بخواهید امیدى ندارم.

مصاحبه‌شونده شماره ۹ نیز می‌گوید:

شدیداً نگران آینده هستم.

مشارکت‌کننده شماره ۸ در این زمینه می‌گوید:

بله. اینکه در سن پیری، بیماری و مشکلات هست کی میاد به من کمک کنه؟

یازدهم) بی‌تفاوتی نسبت به ازدواج

در بستر ناامیدی‌های مکرر، برخی از دختران بازمانده از ازدواج آرام‌آرام به زندگی مجردی خو می‌گیرند و نسبت به ازدواج بی‌تفاوت می‌شوند. شاید این حالت موقتاً آن‌ها را در کنار آمدن با مشکلات زندگی مجردی کمک کند ولی آن‌ها در درازمدت و در یک نگاه ژرف‌اندیشانه این را خطرناک و یک پیامد بسیار بد می‌دانند که به‌اندازه سایر پیامدها و شاید بیشتر از آن‌ها برایشان دردناک است. این بی‌تفاوتی می‌تواند چرخه معیوب بازماندگی

را پایدارتر کند. چنانکه مشارکت کننده شماره ۱۰ اظهار می‌دارد:

کم کم به این باور رسیدم خب اینا همش، می‌تونم بدون اینام زندگی داشته باشم، آدم می‌تونه ادامه حیات داشته باشه، حتماً حالا بچه من، حالا اگه بچه نبود چه اتفاقی، اگه شوهر نبود، چه اتفاقی می‌افته؟

دوازدهم) استرس و فشار روانی

یکی دیگر از مضامین فرعی به دست آمده در بخش پیامدهای فردی، اختلالات روانی از جمله افسردگی و اضطراب است. در سایه نگرانی‌هایی که افراد نسبت به آینده دارند کم کم نشانه اضطراب دیده می‌شود و در سایه افکار منفی و اتفاق‌های ناامیدکننده آرام آرام رد پای افسردگی هم به زندگی این گروه از افراد اضافه می‌شود. آن‌ها همچنین نگران تحلیل رفتن توانایی و از دست دادن زیبایی و شادابی خود هستند. بسیاری از آن‌ها عزت نفس خود را از دست می‌دهند و چنین تصور می‌کنند که شاید در مقایسه با سایر زنان متأهل، از عیب و ایراد اساسی برخوردار باشند. مشارکت کننده شماره ۹ می‌گوید:

... ولی خب یه وقتایی واقعاً خیلی فشارهای روحی خیلی زیادی توی محیط کار هست، تو محیط خانواده، به هر حال همیشه روال زندگی یک جور نیست دیگه؛ زندگی خیلی پستی بلندی داره؛ می‌گم که اگر مثلاً ازدواج کرده بودم الان این طوری نبود، الان این فشار عصبی رو مجبور نبودم تحمل کنم.

سیزدهم) گوشه‌گیری و قطع ارتباط

یکی از مضمون‌های به دست آمده در این بخش فاصله گرفتن این دختران از گروه همسالانشان است که در سایه تأهل آنان اتفاق می‌افتد. آن‌ها اظهار می‌دارند از یک سو نمی‌توانند مثل دوران مجردی با دوستان متأهل خود رفت و آمد داشته باشند، چون دوستانشان تنها نیستند و خانواده دارند. از سوی دیگر به دلیل مجرد بودن خود این دختران و نداشتن خانواده، امکان رفت و آمد خانوادگی بسیار کم می‌شود. مشارکت کننده شماره ۹ می‌گوید:

یه وقتایی مثلاً در گروه همسالان خودم قرار می‌گیرم، هم سن و سالای خودم، هم دانشگاهی‌های خودم، من الان دیگه یه مدتی واقعاً نمی‌تونم تو جمع دوستانم باشم، چون فک می‌کنم وقتی اونجا می‌رم، به جای اینکه مثلاً کنار هم باشیم، از این دورانی که حالا مثلاً قبلاً باهم بودیم، دوران دانشگاه، یه وختایی بعضی از دوستان ما از دوران دبیرستان باهم دوستیم و هنوز این دوستی ادامه داره؛ وقتی می‌رم بین اونا قرار می‌گیرم، فک می‌کنم من با اونا خیلی فرق دارم؛ خب اونا از زندگیاشون می‌گن، از خونشون، از بچشون، از بهر حال از چیزی که من راجع بهش ندارم صحبت کنم؛ خب

اینآ آزاردهنده است دیگه، خیلی خوشایند من نیست، الان مثلاً دیگه یه مدتی فک می‌کنم شاید فاصله بگیرم بهتره، تو این جمع‌ها نباشم مثلاً بهتر باشه.

دو) پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی

مضامین فرعی به‌دست‌آمده در این بخش عبارت‌اند از: احساس ناکامی و نیاز به حمایت دولتی، برچسب‌ها و سرزنش‌های اجتماعی، از دست دادن زمینه‌های موفقیت، گرفتار شدن در روابط بدون تعهد، ایجاد روابط خارج از زناشویی.

اول) احساس ناکامی و نیاز به حمایت دولتی

دختران بازمانده از ازدواج مانند بسیاری از اقشار نیازمند از اجتماع موجود انتظار دارند که از آن‌ها حمایت کند. از آنجاکه این گروه از دختران خود را قربانی سیاست‌های دولت و شرایط اجتماعی زمان خود می‌دانند، لذا انتظار دارند که جامعه و به‌ویژه دولت‌ها در اندیشه برنامه‌ریزی و ارائه یک بسته حمایتی روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی باشد تا آن‌ها بتوانند با چالش‌های پیش روی زندگی خود در آینده، به‌ویژه دوران سالمندی مواجه شوند. مشارکت‌کننده شماره ۱ در این زمینه می‌گوید:

آقای ... من چیزی که پیشنهاد می‌کنم همونطور که در مورد زنان سرپرست خانوار و مطلقه‌ها این مزایا بهشون تعلق می‌گیره، یک پوئن مثبت هم بدن به ما.

دوم) برچسب‌ها و سرزنش‌های اجتماعی

جامعه، به‌ویژه خانواده و اطرافیان هم این گروه از دختران را با برچسب‌هایی از جنس غرور، تکبر، سخت‌گیری و... مشایعت می‌کنند. این مهم علاوه بر امتیازات شغلی، تحصیلی و اجتماعی است که به‌زعم دختران مجرد به شکل تبعیض‌آمیزی به خانم‌های متأهل داده شده است. مشارکت‌کننده شماره ۲ در این باره می‌گوید:

برچسب می‌زنن که تو مغرور بودی و سخت‌گیر بودی که حالا ازدواج نکردی یا دیدن حتی تو فیلم‌ها اینو نشون می‌ده یک دختر مجرد رو طوری نشون می‌دن که این یک طوریش بوده که ازدواج نکرده ولی در صورتی که اصلاً این نیست.

سوم) از دست دادن زمینه‌های موفقیت

بسیاری از دختران بازمانده از ازدواج نسبت به از دست دادن موقعیت‌های که زمینه موفقیت را برای ایشان مهیا می‌کند ولی بنا به شرایط مجرد آن را از دست می‌دهند احساس نارضایتی کرده و خواهان از بین رفتن این بی‌عدالتی هستند. مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید:

بعد یه مشکل دیگه هم تو آموزش و پرورش هست بحث امتیازاته که همه متعلق به متأهل هاست. انتقالی، طرح تعدیل و همه چی. وقتی هم اعتراض می کنیم، می گن تو که مجردی! مجردها وقتشون آزاده. انگار که [فقط] متأهل ها هستند و ما حقی نداریم.

چهارم) گرفتاری در روابط بدون تعهد

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی بازماندگی از ازدواج که در حال حاضر صاحب نظران به عنوان یک معضل فرهنگی از آن نام می برند، شکل گیری روابط بدون تعهد است. هر چند که این پدیده دلایل متعددی دارد ولی یکی از عوامل آن وجود همین قشر از جامعه است. نیازهای عاطفی، اجتماعی و مالی دختران بازمانده از ازدواج و نیز نگرانی های آنها در مورد آینده منجر به این خواهد شد که آنها هر فرصتی از ارتباط با مردان را به عنوان یک شانس احتمالی برای ازدواج در آینده ببینند و به آن تن بدهند. امروزه تا حدود زیادی شاهد روابط بدون تعهد هستیم که ممکن است در قالب دوستی اجتماعی جلوه کرده و ضرورتاً به ارتباط جنسی ختم نمی شود. ولی از آنجاکه هیچ گونه تعهدی در آن وجود ندارد، ممکن است سبب آسیب های روحی، روانی و گاه اجتماعی گردد. مشارکت کننده شماره ۱۲ دیدگاه خودش را این گونه بیان می کند:

مردها به خاطر ترس از ازدواج و تعهدات طولانی مدت به آن و برای اینکه بخوان دیرتر ازدواج کنن، به ازدواج سفید یا ازدواج های موقت رو آوردن که این مسئله به نوبه خود باعث ازدواج نکردن دختران و یا سوءاستفاده از دختران می شه.

پنجم) روابط فرازنشویی

نکته قابل تأمل درباره مضمون فوق این است که خیانت قبل از اینکه به دلیل وجود دخترانی مجرد، نگران و سردرگم اتفاق بیفتد دلایل اساسی تری دارد که باید در بافت رابطه زن - شوهری و کیفیت آن جستجو شود. ولی درعین حال وجود این گونه از دختران در کنار سایر عوامل می تواند به تسهیل و تسریع روند وقوع خیانت یا رابطه فرازنشویی کمک کند. مشارکت کننده شماره ۱۱ در این باره می گویند:

شاید به دلیل اینکه الان توی این دهه من نمی تونم بگم دلیلش شاید فقط ماهواره باشه، خیانت خیلی زیاد شده، دخترای مجردم براشون زیاد اهمیت نداره که طرف زن داره، می رن خیلی راحت و صمیمی با یکی حرف می زنن و بعد بالاخره خانم ها بلدن زیر زیرکی مهر یکی دیگه رو از بین ببرن و باعث طلاق یکی دیگه بشن. این اتفاقات ممکنه بیفته، خب افتاده نه اینکه فقط ممکن باشه.

سه) پیامدهای منفی خانوادگی

از آنجا که خانواده‌ها خواهان آینده روشن و ازدواج موفق فرزندان خود هستند، طبیعی است که پدیده مجرد یا بازماندگی آن‌هم برای دختران خود را دوست نداشته باشند و نگرانی‌هایی داشته باشند که به شکل‌های مختلف ابراز می‌شود. مضامین فرعی به دست آمده در این بخش عبارت‌اند از: سرزنش اعضای خانواده، دل‌نگرانی‌های اعضای خانواده، تنش‌های ناشی از کنترل‌ها و دخالت‌های نابجای اعضای خانواده، مسئولیت مراقبت از والدین پیر.

اول) سرزنش اعضای خانواده

یکی از پیامدهای بازماندگی از ازدواج که در بافت خانواده منجر به آزار این دختران می‌شود، سرزنش‌هایی است که از سوی اعضای خانواده دریافت می‌کنند. اعضای خانواده این دختران به‌ویژه پدران و مادران آن‌ها سعی می‌کنند تنش و اضطراب خود را به شکل‌های مختلفی ابراز می‌کنند. از آنجا که آن‌ها هر روز به مسئله مجرد دختران خود فکر می‌کنند و به گذشته می‌اندیشند تا پاسخ چرایی این وضعیت را بیابند، یکی از عوامل را خود دختران می‌دانند که به دلایلی از جمله سخت‌گیری به برخی خواستگاران پاسخ نداده‌اند. لذا آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که خود دخترانشان مقصر هستند و لذا خود را مجاز به سرزنش آن‌ها می‌دانند. ادامه این سرزنش‌ها، وضعیت ادامه زندگی را برای دختران بازمانده از ازدواج سخت می‌کند. تجربه زیسته مشارکت‌کننده شماره ۷ شاهد خوبی بر این مدعا است:

وقتی به مهمانی و یا عروسی دعوت می‌شیم، خانواده من از اینکه باهاشون برم خجالت می‌کشن و ترجیح می‌دن که من خونه بمونم که مبادا نگاه‌ها و حرف‌ها و زخم‌زبان‌های مردم اذیتشون کنه یا حتی عروس‌های خانواده مرتب با نگاه‌ها و حرف‌های سنگینشون آزارم می‌دن و به دلیل ازدواج نکردن تحقیر می‌شم.

دوم) دل‌نگرانی‌های اعضای خانواده

یکی دیگر از مضامین فرعی به دست آمده در این بخش نگرانی‌های اعضای خانواده است که دختران هرروزه شاهد آن هستند. در چنین فضایی ممکن است سرزنش و تنش بین فردی نباشد ولی دختران خود شاهد نگرانی، دلهره و غصه خوردن اعضای خانواده خود هستند که اگر ابراز هم نشود در روحيات و رفتار اعضای خانواده متبلور است. مشاهده چنین صحنه‌هایی توسط دختران در خانواده، موجبات آزار روحی بیشتر آن‌ها را فراهم می‌کند و گاه ممکن است خانواده را هم تحت تأثیر قرار دهد. تجربه زیسته مشارکت‌کننده شماره ۲ در این باره چنین است:

پدر و مادرم خیلی از ازدواج نکردن من ناراحت هستن و همش اضطراب و استرس دارن

و این مسئله آرامش رو هم از خانواده من گرفته و خجالت می کشن.

سوم) تنش های ناشی از کنترل ها و دخالت های خانواده

اعضای خانواده به دلایلی از جمله اضطراب، نگرانی و احساس مسئولیتی که در قبال این دختران خود احساس می کنند، سعی می کنند رفت و آمدها و مراددهای آنها را کنترل کنند، در تصمیماتشان دخالت می کنند و گاه برای آنها محدودیت هایی را ایجاد می کنند. چنانچه پذیرش این وضعیت از سوی دختران به راحتی صورت نگیرد، ناگزیر از تنش با اعضای خانواده هستند. وضعیت زمانی بغرنج تر می شود که علاوه بر پدر و مادر، خواهران، برادران و سایر بستگان نزدیک هم به این جبهه می پیوندند. تجربه زیسته مشارکت کننده شماره ۹ در این باره چنین است:

شما وقتی بیست و یک سال بودی مثلاً پدر شما مثلاً چهل سال سنش بوده، چهل و پنج سال سنش بوده؛ الان پدر شما دیگه داره مثلاً به سال های بهر حال میان سالی نزدیک می شه؛ اون اختلاف نسل یک وقتایی اذیت می کنه! من مثلاً خونه می خوام یک حرفی بزنم، یک کاری بکنم، می خوام حرف، حرف خودم باشه دیگه خب؛ یک وقتایی تعارض ایجاد می شه، حتی بابای من می گه خوبه تو سر خود شدی و تصمیم می گیری حتی تو مواردی که تو کارم بوده بابام می گه چرا مشورت نمی کنی؟ در صورتی که من لازم نمی دونم.

چهارم) مسئولیت مراقبت از والدین پیر

آخرین مضمون به دست آمده در این بخش که به عنوان یک پیامد منفی در نظر گرفته می شود، شرایط احتمالی است که برای برخی از دختران پیش می آید. در بسیاری از خانواده ها به دلیل ازدواج سایر خواهران و برادران و بالا رفتن سن والدین و ایجاد ضرورت مراقبت از آنها، دختران بازمانده از ازدواج با انبوهی از انتظارات خانوادگی مواجه می شوند. همه اعضای خانواده و حتی اطرافیان از این دختران انتظار دارند که به خوبی از پدر و مادر سالمندشان مراقبت کنند و حتی بسیاری از برنامه های شغلی و تحصیلی خود را تحت الشعاع قرار دهند. احساس مسئولیت خود این دختران در قبال پدر و مادر از یک سو و انتظارات خانواده از سوی دیگر، زندگی آنها را لاقبل در بازه ای از زمان با فشار و استرس مواجه می کند. مشارکت کننده شماره ۱۰ در این باره می گوید:

صد در صد، پدر پیر، مادر پیر، سن بالا، بهر حال مریضن؛ اونا که ازدواج کردن دنبال زندگی های خودشون، موندن من مصادف می شه با بهر حال پرستاری از این جماعت و سردرگمی زندگی آینده ام.

بحث و نتیجه گیری

شکل شماره یک به یافته‌های پژوهش را در قالب مدل مفهومی به تصویر کشیده است:



شکل شماره ۱) پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران

یافته‌های پژوهش در زمینه بررسی پیامدهای منفی بازماندگی از ازدواج برای دختران نشان داد که بازماندگی از ازدواج پیامدهای فردی و شخصی، اجتماعی و فرهنگی و نیز خانوادگی برای دختران بازمانده از ازدواج داشته است. در این رابطه می‌توان بیان داشت که تأخیر در سن ازدواج، نوعی آسیب اجتماعی برای جامعه به حساب می‌آید و اثرات فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیاری را با خود به همراه خواهد داشت. چراکه از جمله اساسی‌ترین اهداف و انگیزه‌های که افراد برای ازدواج دارند را می‌توان در عواملی همچون میل به داشتن فرزند، ارضای غریزه جنسی، داشتن وجه اجتماعی، نیاز به آرامش و ... جستجو کرد. در واقع افرادی که تصمیم به ازدواج می‌گیرند با انجام این مهم به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی خود را بهبود می‌بخشند. حال با در نظر گرفتن این شرایط معکوس برای دختران قطعاً مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌های مورد اشاره برای دختران ایجاد خواهد شد؛ چراکه تجرد گرایی، حرکتی برخلاف نیاز طبیعی انسان است و اثرات و تبعات سوئی را به دنبال دارد که از لحاظ فردی، خانوادگی و اجتماعی زیان‌بار است (محبوبی منش، ۱۳۹۰، ۷۰). برخی پژوهش‌ها در ایران این مشکلات اجتماعی را تأیید می‌کنند. برخی

خانواده‌های ایرانی، امروزه با کاهش فضای عاطفی در خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده روبه‌رو هستند (ساروخانی ۱۳۹۵، ۷۰).

در پژوهش حاضر نیز همان‌گونه که انتظار می‌رفت و مطالعات پیشینه پژوهش نشان می‌داد بازماندگی از ازدواج از نظر جامعه، خانواده و خود دختران، پدیده‌ای شوم و نگران‌کننده است که دامنه آسیب‌های ناشی از آن متوجه خود فرد، خانواده وی و جامعه است. مضامین اصلی به‌دست‌آمده شامل پیامدهای فردی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی است. در این زمینه ورود به روابط ناخواسته یکی از مهم‌ترین پیامدهای فردی بازماندگی از ازدواج است. از آنجا که این گروه از دختران هم خود نگران تجرد قطعی خود هستند و هم خانواده و از طرفی جامعه هم آن‌ها را دخترانی می‌بینند که بهارشان خزان شده، لذا تحت فشار خانواده، جامعه و فشارهای درون روانی احتمال بروز مشکلاتی برای آن‌ها وجود دارد. از یک‌سو ممکن است مردان متأهل به این افراد نزدیک شده و به آن‌ها پیشنهادهای بدهند، از سوی دیگر ممکن است خود آن‌ها به دلیل نگرانی و با امید به ازدواج به رابطه‌هایی وارد شوند که با میل باطنی آن‌ها سازگاری ندارد. در موارد بسیاری دیده می‌شود که این‌گونه دختران به خواستگاران نامناسب هم پاسخ مثبت می‌دهند. از طرفی با توجه به آمار قابل توجه این‌گونه از دختران در جامعه، نقش و بازتاب اجتماعی مشکلات آنان قابل انکار نیست. یکی از مشکلات زندگی دختران بازمانده از ازدواج در بافت زندگی اجتماعی، محدودیت در روابط اجتماعی است. به دلایلی که ریشه در تاریخ و فرهنگ ما دارد، دختران مجرد بایستی در روابط اجتماعی و رفت‌وآمد خود به‌ویژه با مردان جانب احتیاط را نگه دارند. آن‌ها اگر بخواهند به راحتی با مردان رفت‌وآمد کنند، از جانب اطرافیان با برچسب‌هایی مواجه می‌شوند. ریشه این داستان، بخشی در نگرش مذهبی جامعه مبتنی بر ضرورت رعایت محرمیت در روابط زن و مرد وجود دارد و بخشی دیگر به نگاه سنتی جامعه به روابط زن و مرد برمی‌گردد. از دیگر پیامدهای منفی خانوادگی تنش‌های ناشی از کنترل‌گری و دخالت اعضای خانواده در امور مربوط به دخترانشان است. اعضای خانواده به دلایلی از جمله اضطراب، نگرانی و احساس مسئولیتی که در قبال این دختران خود احساس می‌کنند سعی می‌کنند رفت‌وآمدها و مراوده‌های آن‌ها را کنترل کنند، در تصمیماتشان دخالت می‌کنند و گاه برای آن‌ها محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند. چنانچه پذیرش این وضعیت از سوی دختران به راحتی صورت نگیرد، ناگزیر از تنش با اعضای خانواده هستند. وضعیت زمانی بغرنج‌تر می‌شود که علاوه بر پدر و مادر خواهران، برادران و سایر بستگان نزدیک هم به این جبهه می‌پیوندند.

اما به‌رغم مطالعات انجام‌شده که بیشتر بر جنبه‌های منفی پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران در ابعاد مختلف متمرکز شده‌اند؛ یافته‌های این پژوهش نشان داد که بازماندگی از

ازدواج در کنار همه نتایج منفی چندبعدی، برون‌دادهای مثبتی هم در تجربه زیسته دختران بازمانده در ازدواج دارد. در این رابطه می‌توان بیان داشت که تأخیر در وقوع ازدواج به‌رغم همه تأثیرات منفی که بیان شده است، به لحاظ فردی مزایای مناسبی را برای دختران ایجاد خواهد کرد. در این رابطه دختران مجرد به بیان نکات مثبتی همچون پیشرفت در تحصیل، فرصت ادامه تحصیل، یافتن اهداف جدید، احساس آزادی، احساس خوداتکایی، خودشناسی بیشتر، احساس لذت، فرصت تفریح و سرگرمی، احساس رضایت، احساس استقلال، احساس منفعت بردن از شرایط بد، احساس راحتی و فراغت، نداشتن مسئولیت، استقلال مالی، شیرینی انتظار، احساس راحتی، نزدیک شدن به هدف‌های شخصی، پیشرفت شغلی، احساس پختگی در تصمیم‌گیری، درس گرفتن از اشتباهات، واقع‌بینی، داشتن وقت تفریح و مسافرت، داشتن وقت آزاد، نداشتن دغدغه‌های متأهلین، انجام بهتر وظایف شغلی و روابط خانوادگی نزدیک‌تر، فرصت رسیدگی بیشتر به والدین اشاره داشتند. افرادی که تنها مسئولیت خود را به دوش دارند در مجموع، موفقیت‌های شخصی بیشتری نصیبشان خواهد شد. هنگامی که ازدواج به تعویق می‌افتد، شخص تمرکز خود را بر روی موفقیت در زمینه‌های شخصی خواهد گذاشت و این امر باعث خواهد شد که از طرفی فرد شانس کمتری برای ازدواج پیدا کند و از طرف دیگر به اهداف شخصی خود جامعه عمل بپوشاند. در این شرایط شخص خود را محدود به شرایط زندگی مشترک نکرده و تنها تمرکز خود را به اهداف فردی خواهد گذاشت. همچنین تنهایی و کاهش مسئولیت داشتن این دسته از افراد بازمانده ازدواج نسبت به مسائل مهمی است که افراد متأهل با آن دست‌به‌گریبان هستند. این آزادی و کاهش سطح مسئولیت‌پذیری دختران بازمانده از ازدواج متعاقباً فرصت‌های بیشتر تفریح و خودشناسی را برای ایشان ایجاد خواهد کرد.

به‌طورکلی نتایج پژوهش حاضر و همچنین مقایسه پیامدهای مثبت و منفی به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین پیامدهای مثبت متوجه فرد است درحالی‌که پیامدهای منفی علاوه بر خود فرد، متوجه جامعه و فرهنگ نیز هست. از طرفی، جهت کاهش میزان تعداد افراد بازمانده از ازدواج، راه‌حل‌های متعددی وجود دارد که از گذشته مطرح بوده و توسط افراد مختلف بیان گردیده است. در ادامه با توجه به نتایج پژوهش حاضر و در نظر داشتن عوامل کلیدی همچون عوامل فرهنگی - اجتماعی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱. تدوین برنامه‌های آموزشی و فرهنگی از طریق رسانه‌ها به‌منظور آگاهی بخشی به جوانان و خانواده‌ها در خصوص پیامدهای بازماندگی از ازدواج؛
۲. تدارک برنامه‌های هدفمند به‌منظور افزایش انگیزه‌های ازدواج قانونی و شرعی برای جوانان؛

۳. تدارک و پیش‌بینی بسته‌های حمایتی در ابعاد آموزشی، فرهنگی و اقتصادی از دختران بازمانده از ازدواج در برنامه‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت و میان‌مدت توسط دولت؛
۴. طراحی دو واحد درسی در دوره‌های مختلف تحصیلی در خصوص ازدواج با عنوان و محتوایی متفاوت از درس دانش خانواده فعلی؛
۵. ساماندهی امور مربوط به زندگی دختران بازمانده از ازدواج توسط سازمان‌های ذی‌ربط.

محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش، پژوهشگر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

محدودیت دسترسی به افراد و نمونه‌های پژوهش؛
 محدودیت‌های ذاتی مصاحبه (زمان‌گیر بودن و سوگیری ذهنی)؛
 عدم شفافیت بعضی افراد نمونه در فرایند انجام مصاحبه؛
 احتمال سوگیری مشارکت‌کنندگان در فرایند مصاحبه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه؛
 با توجه به کیفی بودن روش انجام کار امکان تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش کاهش خواهد یافت.

منابع

۱. آیت‌اللهی، زهرا، امیرحسین بانکی پورفرد، شیماسادات حسینی، محمود حکمت‌نیا، مونس سیاح، محمدجواد محمودی، و بتول نامجو. ۱۳۹۴. دانش خانواده و جمعیت. تهران: دفتر نشر معارف.
۲. ادیب حاج باقری، محسن، سرور پرویزی، و مهوش صلصالی. ۱۳۹۰. روش‌های تحقیق کیفی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۳. جنادله، علی، و مریم رهنما. ۱۳۹۳. دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل داده‌های ثانویه ملی). فصلنامه خانواده‌پژوهی ۱۰ (۳۹): ۲۷۷-۲۹۶.
۴. حسنی، محمدرضا. ۱۳۹۲. بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضيقه ازدواج» و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به‌مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها)، مجله معرفت ۲۲ (۱۸۹): ۱۱۷-۱۲۹.
۵. ساروخانی، باقر. ۱۳۹۵. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
۶. سگال، مارتین. ۱۳۹۳. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز

- (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).
۷. عباس‌زاده، محمد، و نرمین نیکدل. ۱۳۹۵. مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی. زن در فرهنگ و هنر ۸ (۴): ۴۹۳-۵۱۶.
۸. غضنفری، الهه، انوشیروان کاظم نژاد، و محمد غلامی فشارکی. ۱۳۹۶. عوامل مؤثر بر الگوی نگرش به ازدواج در کارکنان نیروی انتظامی؛ مدل تحلیل مسیر. فصلنامه طب انتظامی ۷ (۱): ۱۹-۲۴.
۹. قادرزاده، امید، فاطمه غلامی، و الهه غلامی. ۱۳۹۶. بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از مجرد. زن در توسعه و سیاست ۱۵ (۳): ۴۰۳-۴۲۶.
۱۰. کاظمی پور، شهلا. ۱۳۸۳. تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ۲ (۳): ۱۰۳-۱۲۴.
۱۱. محبوبی منش، حسین (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان. گزارش ملی جوانان، نشر سازمان ملی جوانان.
۱۲. محبی، سیده فاطمه، مونس سیاح، و شیما سادات حسینی. ۱۳۹۵. دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجوی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۶ (۲): ۲۵۱-۲۷۴.
۱۳. معمار. ثریا، و بهجت یزدخواستی. ۱۳۹۴. تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد. مجله مسائل اجتماعی ایران ۶ (۲): ۱۴۹-۱۷۲.
۱۴. مهدوی، طهورا. ۱۳۹۰. پیامدهای ناگوار اجتماعی تأخیر در ازدواج. روزنامه رسالت. شماره ۷۳۴۳، ۶-۷.
۱۵. نقیبی، سیدابوالحسن، و مهرانه حمیدی. ۱۳۹۴. سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم‌شهر. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۲۵ (۱۳۱): ۱۵۹-۱۶۴.
۱۶. نیکخواه، هدایت الله، مریم فانی، و احمدرضا اصغری‌پور ماسوله. ۱۳۹۶. سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. جامعه‌شناسی کاربردی ۲۸ (۳): ۹۹-۱۲۲.
17. Crandall, A. VanderEnde, K. Cheongb, Y.F. Dodell, S. Yount, K.M. 2016 Women's age at first marriage and postmarital agency in Egypt. *Social Science Research*. Vol 57, pp: 148-160.
18. Carlson, D. L. 2012 Deviations from Desired Age at Marriage: Mental Health Differences across Marital Status. *Journal of Marriage and Family*, Vol 74, No 4, pp:758-743 .
19. Denzin, N.K. Lincoln, Y.S. 2012. Introduction: The Discipline and Practice of Qualitative Research, Routledge.
20. Gebel, M. Heyne, S. 2016. Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan. *Research in Social Stratification and Mobility*. In Press, Corrected Proof – Note to users.
21. Hashimoto, Y., and A.Kondo2012 .. "Long-term effects of labor market

- conditions on family formation for Japanese youth”, *Journal of the Japanese and International Economies*, Vol. 26, No. 1, pp. 1-22.
22. Lloyd, C. B. (Ed.). 2005. *Growing up global. The changing transitions to adulthood in developing countries*. Washington, DC: The National Academies Press.
23. Nguyen, H.Mi.1997 . Age at First Marriage in Vietnam: Patterns and Determinants, *Asia-Pacific Population Journal*, Vol 12, No 2, pp: 49-74
24. Park, H. Lee, K. 2017. Growing educational differentials in the retreat from marriage among Korean men. *Social Science Research*. Vol 66, pp: 187-200.